



لایارد و خان بختیاری

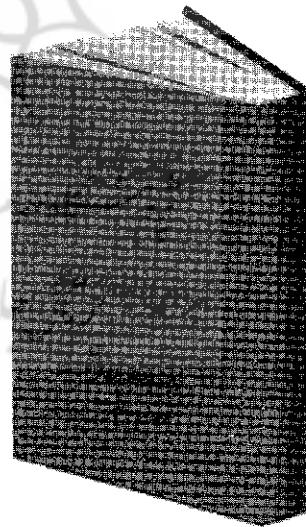
بررسی زندگی و سفرنامه سرهنری لایارد

• غفار پوربختیار

زندگی‌نامه لایارد:

سراوستین هنری لایارد (Sir Henry Layard) به یک خانواده سرشناس پروتستان و فرانسوی‌الصل تعلق داشت. نیاکان او در قرون گذشته به انگلستان آمده و بعدها به فرمان ملکه الیزابت اول در کلیسای کنتربوری به خدمت مشغول شده بودند. پیتل لایارد و همسرش مارین در پنجم مارس ۱۸۱۷ میلادی صاحب فرزند پسری شدند که نام او را هنری گذاشتند. هنری در ۱۷ سالگی در سال ۱۸۳۴م. پدر خویش را از دست داد و به طور رسمی سرپرست خانواده گردید. او برای یافتن کار به سیلان رفت. بنابراین در ژوئیه ۱۸۳۹ در عنفوان جوانی همراه با یک مسافر ماجراجوی به نام میتفورد (Meetford) انگلستان را به قصد مشرق زمین ترک گفت. آنها در ماه مه ۱۸۴۰ به شهر بغداد رسیدند و دو ماه در آنجا توقف نمودند. در آنجا بود که آنها با شاهزادگان فراری ایران و مدعیان سلطنت دیدار نمودند. این سه شاهزاده، پسران فرمانفرما حاکم فارس بودند که سلطنت محمدشاه را نپذیرفته و خود ادعای سلطنت داشتند و چون مورد حمایت دولت انگلیس بودند، به وسیله آن دولت به انگلیس برده شده و بعدها همزمان با واقعه محاصره هرات و اختلاف نظر ایران و انگلیس به بغداد آورده شدند.

لایارد و میتفورد از بغداد راهی ایران شدند. آن دو در همدان با حاج میرزا آغاسی صدراعظم و نیز وزیر خارجه



■ سفرنامه لایارد

■ مؤلف: سراوستن لایارد

■ مترجم: مهراپ امیری

■ ناشر: انتشارات آتزان، تهران، چاپ دوم، تهران ۱۳۷۶، ۳۵۶

ص، شابک ۰-۵-۹۶۶۵-۹۶۶۴



مورد اختلاف مرزی دو کشور تهیه نماید. اما طرحی که وی تهیه کرد به سود دولت عثمانی و به زیان ایران بود. آن طرح چنان یکطرفه بود که حتی مورد پذیرش وزیر امور خارجه انگلیس نیز قرار نگرفت.

لایارد در سال ۱۸۴۵ م در شهر موصل عراق شروع به حفاری کرد و در سن ۳۵ سالگی به خاطر کشف نینوا پایتخت آشور شهرت جهانی یافت. او در سال ۱۸۵۲ م معاون وزارت خارجه انگلیس شد و مدتی بعد از طرف حزب لیبرال نماینده پارلمان شد. از سال ۱۸۶۹ م تا ۱۸۷۷ م سفیر انگلیس در اسپانیا بود. لایارد در سال ۱۸۷۷ م به سمت سفیر انگلیس در عثمانی منصوب گردید. سرانجام در ۵ ژوئیه ۱۸۹۴ در ۷۷ سالگی درگذشت.^۱

از لایارد سه اثر کلاسیک به نام‌های ماجراهای اولیه در ایران، نینوا و باقیمانده‌هایش و نینوا و بابلون به جا مانده است. همچنین از او نوشته‌ها و گزارشاتی درباره موضوعات مختلف خوزستان و ایل بختیاری باقی مانده است که تحت عنوان «شرحی پیرامون خوزستان»، ابتدا توسط «لرد ایردین» (Lord Abardin) در انجمن پادشاهی جغرافیایی قرائت و سپس در سال ۱۸۴۶ م در جلد شانزدهم مجله انجمن پادشاهی جغرافیایی در لندن منتشر گردید.^۲

لایارد و خان بختیاری:

لایارد در اواخر سال ۱۸۴۰ م وارد سرزمین گرمسیر بختیاری (خوزستان) شد و به حضور محمدتقی خان، خان

ملاقات نمودند. آنها از صدراعظم تقاضا نمودند که با اجازه دولت ایران بتوانند از طریق یزد، کرمان و سیستان به افغانستان و هندوستان مسافرت نمایند. اما صدراعظم در ظاهر به علت عدم امنیت راه‌ها، ولی در حقیقت به خاطر طغیان آقاخان محلاتی به تحریک انگلیسی‌ها در کرمان، با مسافرت این دو انگلیسی که احتمال می‌رفت مأموریت سیاسی داشته باشند، از آن مسیر مخالفت ورزید. بنابراین میتفورد با اجازه دولت ایران از طریق مشهد به هرات رفت و لایارد نیز به بهانه بازدید از آثار باستانی خوزستان به گرمسیر ایل بختیاری (خوزستان) سفر نمود.

لایارد طی سال‌های ۱۸۴۲ - ۱۸۴۰ م / ۱۲۵۸ - ۱۲۵۶ هـ. ق در جنوب ایران مشغول یک سلسله فعالیت‌های سیاسی بود و چندین بار از خوزستان به بغداد رفته و بازگشت. وی هنگام حرکت محمدتقی خان بختیاری بر ضد دولت مرکزی، نزد وی حضور داشت. به علاوه او اولین کسی است که طرح کشتیرانی در کارون را به دولت انگلیس پیشنهاد کرد و برای این مقصود خود دو بار با کشتی از بغداد به خرمشهر و یک بار نیز از خرمشهر تا شوشتر مسافرت نموده و اطلاعات مورد نیاز راجع به نحوه کشتیرانی در کارون را در اختیار کنسل تایلور (Taylor)، کنسول انگلیس در بغداد قرار داد. لایارد بعدها از طرف سفیر انگلیس در عثمانی مأموریت یافت تا به دلیل آشنایی دقیق با خوزستان و مرزهای ایران و عثمانی، طرحی در

سراوستین هنری لایارد اولین کسی است که طرح کشتیرانی در کارون را به دولت انگلیس پیشنهاد کرد و برای این مقصود خود دوبار با کشتی از بغداد به خرمشهر و یک بار نیز از خرمشهر تا شوشتر مسافرت نموده و اطلاعات مورد نیاز راجع به نحوه کشتیرانی در کارون را در اختیار کلنل تایلور، کنسول انگلیس در بغداد قرار داد

اطبای محلی از معالجه‌اش عاجز مانده بودند، درمان نماید مورد تکریم و احترام زیاد خان و همسرش قرار گرفت. او از آن زمان تا هنگام گرفتاری و بدبختی خان و خانواده‌اش وحتىی مدتی پس از آن در کنار آنها باقی ماند.

لایارد در مدت زمان حضورش در بین بختیاری‌ها، به لباس بختیاری ملیس گردیده و زبان و گویش آنها را به روانی تکلم می‌نمود. او به حدی به بختیاری‌ها علاقه‌مند گردید که به همراه آنها به کارهایی چون شکار شیر، جمع‌آوری اطلاعات و حتی شبیخون‌های محلی می‌پرداخت. وی با استفاده از سعه صدر خان بختیاری و در واقع با حمایت وسیع او، به بازدید از آثار باستانی خوزستان چون اشکفت سلمان، کول فرح و غیره پرداخت. اما بی‌شک مهمترین اقدام لایارد هنگام حضور در سرزمین بختیاری، عزیمت به جزیره خارک از جانب خان بختیاری بود. به گفته لایارد قبول این مسئله که او فقط از روی کنجکاوی و به منظور کشف آثار باستانی به این سفر پرخطر مبادرت ورزیده است، برای محمدتقی خان دشوار بود. خان بختیاری می‌پنداشت که لایارد مأمور ویژه یا نماینده سیاسی انگلیس بوده و برای نقشه‌برداری جهت تهاجم نظامی انگلیس به ایران به این منطقه اعزام گردیده است. خان از داستان محاصره هرات، قطع روابط دو کشور و تصرف جزیره خارک توسط قوای انگلیس آگاهی داشت و امیدوار بود چنانچه جنگی میان ایران و انگلیس اتفاق بیفتد، از فرصت استفاده کرده و استقلال سرزمین خود را اعلام نماید. محمدتقی خان معتقد بود در صورتی که دولت انگلیس از لحاظ مالی و تجهیزات نظامی به او کمک نماید، قادر خواهد بود با جمع‌آوری تفنگچیان بسیار، قیامی عمومی بر ضد دولت مرکزی به راه اندازد. خان بختیاری مایل بود که با فرمانده قوای انگلیس در خارک تماس برقرار نماید تا از این طریق آگاه شود که آیا در صورت بروز جنگ انگلیسی‌ها به او کمک خواهند کرد؟ و آیا آنها با انعقاد یک قرارداد در مقابل محمدشاه از او حمایت می‌نمایند؟ و آیا پس از پایان جنگ او را به عنوان حکمران مستقل خوزستان به رسمیت می‌شناسند یا خیر؟

بدین ترتیب، خان بختیاری برای کسب اطلاع از این مسائل از لایارد تقاضا نمود که به جزیره خارک مسافرت

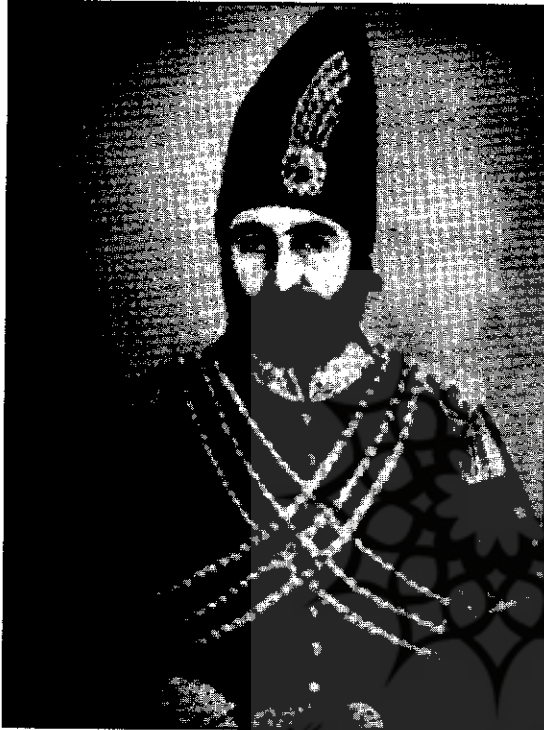
مقتدر و متنفذ ایل بختیاری در آن زمان رسید. محمدتقی خان از شاخه چهار لنگ بختیاری بود. زمان حضور لایارد در میان بختیاری‌ها جالب توجه است. این زمان هنگامی است که محمدشاه قاجار با وجود مخالفت‌های دولت انگلیس هرات را محاصره نموده بود. انگلیسی‌ها که نتوانستند شاه را از محاصره هرات بازدارند، با او دشمن گردیده و به تهدید و ارباب مبادرت ورزیدند. از جمله اینکه راولینسون (Sir Henry Rawlinson) افسر انگلیسی و کاشف خطوط کتیبه بیستون مأمور تحریک آقاخان محلاتی به شورش علیه حکومت مرکزی گردید. حضور لایارد در میان بختیاری‌ها نیز در همین زمان اتفاق افتاد و چندان بی‌ارتباط با واقعه محاصره هرات نبود. مسافرت لایارد به سرزمین بختیاری اگر چه تحت عنوان «بازدید از آثار باستانی خوزستان» صورت گرفت، اما می‌توانست مأموریتی سیاسی - نظامی در پوشش اکتشافات باستان‌شناسی باشد. زیرا دولت انگلیس در پی آن بود که با تحریک ایلات و عشایر به شورش بر ضد دولت مرکزی محمدشاه قاجار را از تصرف هرات بازدارد. یکی از مهمترین و مقتدرترین این ایلات، ایل بختیاری بوده است. پیش از آن هم دولت انگلیس برای ارباب محمدشاه، شاهزادگان قاجاری مدعی سلطنت (پسران فرمانفرما) را به بغداد برده و مورد حمایت مالی و سیاسی قرار داده بود.

تشویق و تحریک محمدتقی خان بختیاری نیز یکی دیگر از اقدامات دولت انگلیس بر ضد محمدشاه بود. به نظر می‌رسد که لایارد از جانب دولت انگلیس این مأموریت مهم را عهده‌دار بوده است. او قصد داشت که ابتدا خود را به خان بختیاری رسانده و بین او و شاهزادگان فراری و کلنل هنل (Henel) فرمانده ناوگان انگلیس در خارک ارتباط برقرار نماید. سپس از راه اصفهان، یزد، کرمان و سیستان خود را به قندهار رسانیده و به راولینسون (که در این هنگام در قندهار اقامت داشت) در تحریک آقاخان محلاتی به شورش کمک نماید.

سرانجام لایارد از طریق اصفهان به خوزستان رفته و به حضور خان بختیاری رسید. وی از سوی خان بختیاری، برادران و سایر اعضای خانواده او به گرمی مورد پذیرش واقع شد. به ویژه پس از آنکه توانست پسر بیمار خان را که

سفرنامه لایارد یکی از مهم‌ترین و ارزشمندترین سفرنامه‌هایی است که بیگانگان درباره اوضاع ایران هنگام حکومت محمدشاه قاجار به رشته تحریر درآورده‌اند. سراسر این سفرنامه سرشار از اطلاعات مفید و ارزشمند دربارهٔ مسائل مختلف ایل بختیاری است

محمد شاه قاجار



نماید. اهداف و انگیزه‌های لایارد را از این مسافرت می‌توان به ترتیب اهمیت به قرار ذیل ذکر کرد:

۱- برقراری تماس با فرمانده نیروی انگلیس در خارک جهت کسب حمایت رسمی وی از خان بختیاری در مقابل دولت ایران.

۲- مذاکره با مقامات انگلیسی در خارک و آگاه ساختن آنها از این موضوع که خان بختیاری حاضر است جهت حمل و نقل محمولات تجاری خارجی، جاده‌ای در منطقه تحت نفوذ خود احداث و امنیت آن را تضمین نماید.

۳- تشویق تجار و بازرگانان انگلیسی به تجارت با بختیاری‌ها در حوزه حکمرانی محمدتقی خان بنا به درخواست او.

۴- تهیه دارو از درمانگاه انگلیسی‌ها در خارک جهت معالجه بیماری سخت برادر خان و سایر بختیاری‌ها.

لایارد بدون درنگ و تأمل درخواست محمدتقی خان را پذیرفت و روانه جزیره خارک گردید. او با رسیدن به مقصد مذاکرات خود با کلنل هنل فرمانده نیروی انگلیسی مستقر در خارک را آغاز نمود، اما این مذاکرات قرین با موفقیت نبود. وی به جز هدف اصلی مأموریتش، تقریباً به سایر اهداف خود که اهمیت کمتری داشتند دست یافت. فرمانده قوای انگلیس به او یادآور شد که جنگ ایران و انگلیس بر سر هرات پایان یافته، بنابراین دولت بریتانیا دیگر نمی‌تواند از نظر سیاسی خان بختیاری را تحت حمایت خود قرار دهد. او چنین گوشزد نمود که خان می‌تواند برنامه‌های اقتصادی خود را اجرا کرده و با تجار انگلیسی وارد دادوستد گردد. لایارد پس از تهیه مقداری دارو ناکام و ناامید به قلعه تل، مقر خان بازگشت و او را از پاسخ منفی انگلیسی‌ها به تقاضایش آگاه نمود.

بدین ترتیب محمدتقی خان که از حمایت انگلیسی‌ها ناامید شده بود، در گرفتن تصمیم مردد ماند. زیرا منوچهرخان معتمدالدوله حاکم اصفهان، خان را نزد محمدشاه تحت عناوینی چون عدم پرداخت مالیات، داشتن رابطه با شاهزادگان فراری و ... متهم به سرپیچی از دستورات دولت نمود. بنابراین شاه نیز او را برای سرکوبی خان بختیاری به خوزستان اعزام کرد. لایارد در این مورد می‌نویسد: «چنانچه محمدتقی خان در همان

موقع تصمیم حمله به قشون معتمدالدوله را می‌گرفت می‌توانست به آسانی لشکریانش را در ارتفاعات بختیاری تارومار نماید، ولی تردید و دودلی او مانع این کار شد.» اما گردون واتر فیلد (Gardon Waterfield) نویسنده زندگینامه لایارد عقیده دیگری دارد: «محمدتقی خان می‌توانست با استفاده از موقعیت کوهستانی، قشون معتمد را تارومار نموده و از ورود او به سرزمین بختیاری جلوگیری کند ولی وی منتظر بازگشت لایارد و نتیجه مذاکرات او با مقامات انگلیسی در خارک بود و همین تردید و انتظار باعث شد تا او فرصت گرانبهایی را از دست بدهد و بعدها موجبات بدبختی خویش و خانواده‌اش را فراهم نماید.»^۲

پس از اینکه معتمد سوگندهایی مؤکد مبنی بر آزار نرساندن به محمدتقی خان ارائه داد، خان بختیاری سرانجام خود را تسلیم او نمود، اما او برخلاف قول و قرارها خان را به سیاهچال انداخت. لایارد اگر چه مأموریت اصلی خود - گرچه ناموفق - را انجام داده بود، اما در این لحظات دوست خود را تنها نگذاشت. و در پی کمک به او برآمد. اما



لایارد در مدت حضورش در بین بختیاری‌ها، به لباس بختیاری مجلس گردیده و زبان و گویش آنها را به روانی تکلم می‌نمود. او به حدی به بختیاری‌ها علاقه مند گردید که به همراه آنها به کارهایی چون شکار شیر، جمع‌آوری اطلاعات و حتی شیخون‌های محلی می‌پرداخت.

در سیاهچال معتمد دیدار کرد که این مسئله حتی باعث خشم معتمد نسبت به وی و صدور فرمان دستگیری او شد. لایارد که از آزاد کردن دوست و میزبانش ناامید شده بود، از آن پس بازدیدهای خود را از مناطق مختلف خوزستان و لرستان از سر گرفته و چندین بار از خوزستان به عراق عرب رفت. انگیزه و اهداف او از این رفت و آمدها به روشنی معلوم نیست و نمی‌توانست صرفاً اکتشافات باستانی و یا شناخت جغرافیایی یا تاریخی باشد. چه بسا در این بین مأموریت سیاسی و حتی ایجاد تنش در روابط ایران و عثمانی نیز مد نظر بود.

سفرنامه لایارد:

یادداشت‌های مسافرت لایارد به ایران و سرزمین بختیاری در خلال سال‌های ۴۲ - ۱۸۴۰ میلادی، ابتدا در سال ۱۸۷۷ م با عنوان ماجراهای اولیه در شوش، ایران و بابل در دو جلد و بعدها در سال ۱۸۹۷ م در یک جلد در لندن منتشر شد.^۵ ترجمه کوتاه و مختصر چند فصل از این سفرنامه ابتدا به‌طور ناقص در سال ۱۳۲۰ هجری قمری در کتاب تاریخ بختیاری، نوشته سردار اسعد و دیگران و بعدها در یادداشت‌های سردار ظفر به چاپ رسید. این

این تلاش‌ها بی‌فایده بود و معتمد به اصرارهای وی مبنی بر رعایت حال خان بختیاری توجهی ننمود. لایارد حتی تا آنجا پیش رفت که در شیخون بختیاری‌ها و عرب‌ها برای نجات خان نیز شرکت نمود، اما شیخون به اردوگاه معتمدالدوله نیز کارساز نبود و باعث نجات خان نگردید.

خان بختیاری و بعضی از برادرانش در زندان دولت باقی ماندند تا اینکه در اوایل سلطنت ناصرالدین شاه، خان زندگی را در زندان بدرود گفت. سال درگذشت محمدتقی خان بختیاری نیز از آنجا بر ما معلوم می‌گردد که لایارد در سال ۱۸۸۲ م / ۱۲۹۹ هـ ق زمانی که معاون وزارت امور خارجه انگلیس بود، از رونالد تامسون (Ronald Thomson) وزیر مختار انگلیس در تهران درباره سرنوشت محمدتقی خان پرسش می‌کند و وی نیز طی گزارش ارسالی به لایارد مرگ خان بختیاری را در سال ۱۸۵۱ م / ۱۲۶۷ ق اعلام می‌نماید.^۴

لایارد که هیچ‌گاه محبت و سخاوت فراوان خان بختیاری و خانواده‌اش را نمی‌توانست فراموش نماید، تا مدتی در کنار خانواده خان به سر برده و به آنان کمک می‌نمود. وی در چند مورد نیز از خان، پسر و برادرانش

لایارد در سال ۱۸۴۵ م در شهر موصل عراق شروع به حفاری کرد و در سن ۳۵ سالگی به خاطر کشف نینوا پایتخت آشور شهرت جهانی یافت

ضمن اطلاعات باستان‌شناسی که از «اشکفت سلمان» ارائه می‌دهد، به ماجراهای این سفر نیز پرداخته است. در بخش پنجم، مسافرت نویسنده به جزیره خارک برای رساندن پیام خان بختیاری به فرمانده انگلیسی آنجا و ماجراهایی که برای وی پیش آمده است ارائه گردیده است.

بخش‌های ششم و هفتم به لشکرکشی معتمدالدوله به خوزستان برای سرکوبی محمدتقی خان بختیاری و ماجراهای پیش‌آمده برای لایارد اختصاص دارد.

بخش هشتم به چگونگی تسلیم شدن خان بختیاری، زندانی شدن وی و تلاش بختیاری‌ها و اعراب برای رهایی او از سیاهچال اختصاص دارد که لایارد نیز در این کوشش‌ها سهم و نقش زیادی ایفا کرده است.

بخش نهم مربوط به ماجراهای مسافرت نویسنده به بصره است. بخش دهم به مسافرت از بصره به بغداد اختصاص دارد.

بخش یازدهم بازگشت از بغداد به خوزستان و دیدار با جعفرقلی خان بهداروند از شاخه هفت لنگ بختیاری و ماجراهایی دیگر را شامل می‌شود.

بخش دوازدهم به ماجراهای مسافرت نویسنده به سرزمین لرستان و دیدار با الوار قبلی و ... اختصاص دارد و آخرین بخش کتاب نیز درباره مسافرت نویسنده با کشتی در رود کارون و مسائل مربوط به آن است.

پی‌نوشت‌ها:

۱. لایارد، سراوستن هنری: سفرنامه لایارد، ترجمه مهرب امیری، انتشارات آنزان، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۶، ص ۲۹.

۲. این گزارش A Description Province of Khozestan توسط مهرب امیری ترجمه شده و در کتاب «سیری در قلمرو بختیاری و عشایر بومی خوزستان» درج گردید.

۳. لایارد، همان، ص ۱۶۷

۴. مکین روز، الیزابت. با من به سرزمین بختیاری بیایید، ترجمه مهرب امیری، نشر سهند، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۳، ص ۲۴۸

5. Early adventures in Persia Susiana and Babylonia London 1897.

سفرنامه برای اولین بار به طور کامل توسط مهرب امیری ترجمه شد و ابتدا در چهار بخش تحت عنوان «خاطرات لایارد» از سال ۱۳۵۲ شمسی به بعد در مجله خاطرات وحید به چاپ رسید و سپس در سال ۱۳۷۶ با ویرایش جدیدی توسط انتشارات آنزان منتشر گردید.

سفرنامه لایارد یکی از مهم‌ترین و ارزشمندترین سفرنامه‌هایی است که بیگانگان درباره اوضاع ایران هنگام حکومت محمدشاه قاجار به رشته تحریر درآورده‌اند. سراسر این سفرنامه سرشار از اطلاعات مفید و ارزشمند درباره مسائل مختلف ایل بختیاری است. چون لایارد به میان بختیاری‌ها رفته و مدت‌ها با آنها در تماس مستقیم بوده است، توانسته بهتر از دیگران به شیوه زندگی، آداب و رسوم، سنن، اخلاقیات و... آنها پی ببرد. او درباره روابط بختیاری‌ها با حکومت مرکزی قاجار و نظر آنان نسبت به شاه و دولتش مطالب بسیاری آورده است. این سفرنامه در سیزده بخش تنظیم گردیده است.

بخش اول کتاب با حرکت لایارد به همراه همسفرش میتفورد از بغداد آغاز و با جدا شدن از او پایان می‌پذیرد. ملاقات با وزیر خارجه و صدراعظم ایران و دیدن موبک و اردوی محمدشاه قاجار در همدان از موضوعات مهم این بخش است.

در بخش دوم، لایارد حرکت خود از همدان تا رسیدن به اصفهان، ملاقات با معتمدالدوله حاکم اصفهان و اولین دیدارهایش با بختیاری‌ها را شرح داده است.

در بخش سوم نیز حرکت لایارد از اصفهان برای ملاقات محمدتقی خان بختیاری در قلعه تل خوزستان تا رسیدن او به مقصد تشریح گردیده است. لایارد از این پس به بررسی مسائل مختلف بختیاری‌ها می‌پردازد. هیچ مسئله‌ای، هر چند کوچک از چشم تیزبین و دقیق او مخفی نمی‌ماند. او صفات جسمی و روحی بختیاری‌ها را به تفصیل شرح می‌دهد. خوراک و پوشاک مردان و زنان، چهره، آداب عروسی و عزاداری، آداب پذیرایی از مهمان، شکار، ادبیات و شعرخوانی، عبادات مذهبی، تزئینات و آرایش زنان، حجاب زنان، تیراندازی و سوارکاری و... از جمله مسائل و موضوعاتی مهم این بخش از سفرنامه لایارد است.

در بخش چهارم، مسافرت نویسنده برای بازدید از آثار باستانی «اشکفت سلمان» تشریح گردیده است و لایارد